

شاغل در بخش کشاورزی کاهش می‌یابد و بر سهم نیروی کار در بخش‌های صنعت و خدمات افزوده می‌گردد. دولت‌ها با ایجاد و توسعه‌ی نهادهایی در بازار کار، نقش مهمی در این فرایند به عهده دارند. دخالت دولت در ایجاد شرایط سالم، بهداشتی، مناسب و کافی در کارگاه‌ها و جلوگیری از کار کودکان بسیار ضروری و مهم است. هر چند آن دسته از سیاست‌های دولت که منجر به محدود شدن انعطاف‌پذیری بازار می‌گردد (از قبیل تعیین حداقل دستمزد بالاتر از عرف معمول و یا نظارت بر اخراج کارگران)، مانع عملکرد مناسب بازار کار گشته و ایجاد اشتغال را با محدودیت روبه‌رو می‌سازد. این مسأله را این واقعیت مورد تأیید قرار می‌دهد که آن دسته از کشورهای آسیایی که دارای بالاترین میزان رشد اقتصادی بوده‌اند، اغلب دارای قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر بازار کار بوده‌اند.

آموزش

نیروی کار تحصیلکرده عامل مهمی در ایجاد تحول در جهت اقتصاد کارآمد و مولد است. سرمایه‌گذاری در آموزش یکی از عوامل مهم در رشد تحولات در آسیای جنوب شرقی به شمار

می‌آید. تحولات جمعیتی به خودی خود دارای اثری مثبت در تحریک سرمایه‌گذاری‌های آموزش می‌باشد. بدین صورت که با کاهش میزان باروری، والدین عموماً سرمایه‌های خود را از سرمایه‌گذاری در کمیت فرزندان، به سرمایه‌گذاری در کیفیت آنها به صورت آموزش بیشتر (در مقاطع بالاتر) و متنوع‌تر و در گرایش‌های گوناگون، منتقل می‌کنند. به نظر می‌رسد که با کوچکتر شدن گروه‌های همسن و سال، مخارج سرانه‌ی آموزشی افزایش یابد و موجب گردد تا سرمایه‌گذاری‌های دولتی در آموزش از کارایی بالاتری برخوردار گردد. این سرمایه‌گذاری‌ها مهم هستند، زیرا نیروی کار تحصیلکرده و آزموده می‌تواند در امور جامعه مشارکت بیشتری داشته باشد و تحولات جمعیتی را به تحولات اقتصادی تبدیل کند.

سرمایه‌گذاری

اکنون که نیروی کار شاغل افزایش یافته، جامعه باید قادر باشد تا جوانان را در مشاغل مولد جذب نماید. استفاده‌ی اندک و یا ناکافی از نیروی کار فعال سبب می‌شود تا جامعه نتواند از امکانات بالقوه‌ای که در اختیار دارد به نحو احسن بهره‌برداری نماید. از سوی دیگر جمعیت شاغل،



تقاضا برای مسکن و زیربناها را افزایش می‌دهد و توسعه‌ی سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی را ایجاب می‌کند. از آنجا که انجام سرمایه‌گذاری مستلزم پس‌انداز است، سیاست‌های دولت موجب می‌شود، پس‌اندازها به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت شود و باعث شوند تا اقتصاد از فرصت‌هایی که تغییرات و تحولات جمعیتی به وجود آورده به درستی استفاده کند.

بازنشستگی

همچنان‌که گروه‌های بزرگ جمعیتی پا به سن می‌گذارند و به دوره‌ی سالمندی و بازنشستگی نزدیک می‌شوند، بار و ابستگی افراد مسن افزایش می‌یابد. این گروه یک بار قبل از ورود به بازار کار، بار و ابستگی را افزایش داده بودند و یک بار نیز هنگام رسیدن به دوره‌ی بازنشستگی بار و ابستگی را افزایش می‌دهند. در گذشته عادت بر این بود که مردم فرزندان نکور بیشتری پیدا کنند تا در سنین پیری و فرتوتی در پناه آنان نگاهداری و مراقبت شوند. امروزه با شروع تحولات جمعیتی و کاهش میزان باروری، ساختار خانواده‌های سنتی تغییر کرده و والدین فرزندان کمتری دارند، از سوی دیگر نهادهایی به وجود آمده که در چارچوب صندوق‌های پس‌انداز برای بازنشستگی، انواع تأمین اجتماعی برای دوران بازنشستگی را به وجود آورده است. دولت‌ها با حمایت از صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی تلاش می‌کنند تارفاه اجتماعی افراد بازنشسته را ارتقا دهند.

یک نظام بازنشستگی کارآمد نه تنها قادر است امنیت را برای افراد مسن تأمین کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک نهاد پس‌اندازکننده، سطح پس‌انداز جامعه را افزایش دهد و بدین ترتیب تشکیل سرمایه را تسهیل نماید. چنانچه مردم مجبور شوند در سالهایی که از نظر اقتصادی فعال‌اند پس‌انداز کنند، این پس‌اندازها سرمایه‌گذاری می‌شوند و نسبت سرمایه به کار افزایش می‌یابد و به رشد بالاتر اقتصادی دامن می‌زند. این شرایط

موجب می‌شود که میزان باروری کاهش یابد، زیرا والدین دیگر نیازی به داشتن فرزندان بیشتر و سرمایه‌گذاری برای آنها ندارند تا در ایام پیری و سالخوردگی حکم بیمه و تأمین اجتماعی را برای والدین داشته باشند. در عوض آنها با پس‌انداز در صندوق‌های بازنشستگی مختلف، هم نوعی بیمه‌ی عمر برای خود فراهم می‌کنند، و هم با پس‌انداز و انباشت سرمایه به رشد اقتصادی بالاتر دامن می‌زنند.

نتیجه‌گیری

تحولات جمعیت با کاهش در میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان آغاز می‌شود. کاهش مرگ و میر موجب می‌شود که گروه کودک و نوجوان بسیار گسترده شود و بار تکفل سنگینی را برای خانوار به وجود آورد. از آنجا که میزان جمعیت فعال به طور نسبی ثابت است، رشد جمعیت جوان بار سنگین تکفل را به این بخش از جمعیت تحمیل می‌کند. به تدریج که با گذشت زمان از میزان باروری کاسته می‌گردد و گروه گسترده‌ی نوزادان به سن جوانی، بلوغ و فعالیت می‌رسند و وارد بازار کار می‌گردند، جمعیت فعال افزایش می‌یابد و از بار تکفل کاسته می‌گردد. از آنجا که میزان باروری کاهش یافته، تعداد نوزادان و کودکان نیز تنزل می‌یابد. در این مرحله که از بار تکفل کاسته شده و خانوار فرزندان کمتری دارد، بار مالی کمتری را نیز تحمل می‌کند. این شرایط، حرکت در مسیر رشد تولید و رشد اقتصادی را هموارتر و آسان‌تر می‌سازد. هنگامی که این گروه گسترده‌ی همسن و سال به سنین بازنشستگی و سالخوردگی می‌رسند، مجدداً بار و ابستگی ایشان افزایش می‌یابد و دوباره خانوار و جامعه هزینه‌ی مراقبت و بهداشت و نگاهداری ایشان را به عهده می‌گیرد. در این شرایط گروه جمعیت فعال نسبت به گروه جمعیت سالخورده به طور نسبی کوچکتر می‌باشد.

در سالهای اخیر، در کشورهای در حال توسعه، توجه خاصی به پایین آوردن میزان باروری

۳- عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۰)، مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، فصل دهم.

4- Bloom, D. and D. Canning and P. Maloney (1999). "Population Change and Economic Development: The Great Debate Revisited" CAERII Discussion Paper No 46.

5- Bloom, D. and D. Canning (1999). "Economic Development and the Demographic transition: The Role of Cumulative Causality", CAERII Discussion Paper.

6- Bloom, D. and D. Canning (1999). "The Effect of Rapid Population Growth on Labor Supply and Employment in Developing Countries", Population and Development Review.

7- Bloom, D. and J. G. Williamson (1999). "Demographic Transitions and Economic Miracles in Emerging Asia: Technical Paper", CAERII Discussion Paper.

8- Bloom, D. et al. (1999).

9- Boserup, E. (1981). "Population and Technological Change: A Study of Long-Term Trends", Chicago: University of Chicago Press.

10- Coal, A. J. and E. Hoover (1958). "Population Growth and Economic Development in Low-Income Countries, Princeton: Princeton University Press.

11- Higgins, M. and J. G. Williamson (1996). "Asian Demography and Foreign Capital Dependence", NBER Working Paper No 5540, Cambridge, MA.

12- Kelley, A. C. and R. M. Schmidt (1995). "Aggregate Population and Economic Growth Correlation: The Role of The Components of Demographic Change" Demography.

13- Kelley, A. C. and R. M. Schmidt (1996). "Savings, Dependency and Development", Journal of Population Economics.

14- Tallman, E. W. and P. Wang (1992). "Human Capital Investment and Economic Growth: New Routes in Theory Address old Questions", Federal Reserve Bank of Atlanta, Economic Review.

15- Young, A. (1994). "Lessons From the East Asian NICS: A Contrarian View", European Economic Review.

16- Young, A. (1994). "The Tyranny of Numbers: Confronting the Statistical Realities of the East Asian Growth Experience" Quarterly Journal of Economics.

معطوف شده است. توفیق در تنظیم میزان باروری در این جوامع، موجب شده که اکثر این کشورها به مرحله‌ی دیگری از تحولات جمعیتی پای گذارند که در آن میزان باروری به میزان جایگزینی نزدیک می‌شود.

شواهد موجود در برخی از کشورهایی که دارای جمعیت جوان می‌باشند، حاکی از آن است که با وارد شدن جمعیت جوان به بازار کار و آموزشهای پی در پی، این جوامع توانسته‌اند از این نیروی جوان به عنوان عاملی مثبت در جهت تشدید رشد تولید و رشد اقتصادی استفاده نمایند. این شرایط نیازمند سیاستگذاری‌هایی است که باید عملکرد بازار کار را به طریقی هدایت کند که بتواند متناسب با افزایش نیروی کار، به رشد پس‌اندازها و تشکیل سرمایه دامن زند. سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در جمعیت جوان و توانمند ساختن آنها موجب می‌گردد تا نیروی انسانی قابل و با صلاحیت با آهنگ سریعی به رشد درآمدها و تولید بیفزاید. در مرحله‌ای که این گروه گسترده از جمعیت فعال به سن بازنشستگی می‌رسند و بار وابستگی را مجدداً افزایش می‌دهند، نهادهای خصوصی و دولتی که متکفل مسأله‌ی تأمین اجتماعی و مراقبت از سالخوردگان می‌باشند، عهده‌دار تأمین مالی و اداره‌ی جمعیت بازنشسته می‌شوند، و دیگر باری به خانواده‌های جوان‌تر تحمیل نمی‌کنند. پس‌اندازهای مردم در سالهای فعالیت، برای ایشان در دوره‌ی بازنشستگی امنیت خاطر فراهم می‌سازد.

منابع

۱- جرالدمیر. مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه‌ی غلامرضا آزاد (ارمکی)، (۱۳۷۷)، تهران، نشر نی.

۲- تودارو، مایکل. توسعه‌ی اقتصاد در جهان سوم، ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی، ۱۳۸۰، انتشارات مؤسسه‌ی عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، فصل پنجم.

تحولات جمعیتی

قسمت دوم

و رشد اقتصادی

مصطفی عمادزاده

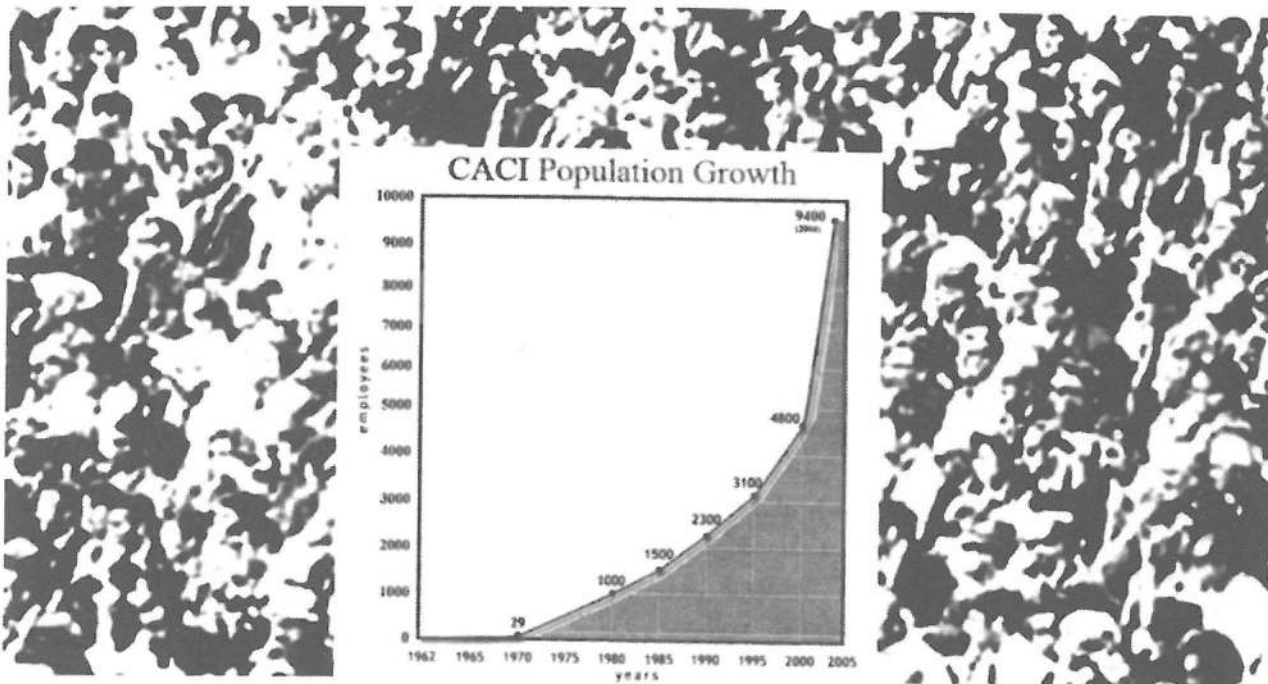
عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

جمعیتی در سرعت تحولات جمعیتی از نقش تعیین‌کننده و مهمی برخوردار است. رشد آتی جمعیت در آسیا را می‌توان ناشی از سه منبع متفاوت دانست: باروری ناخواسته، تمایل به داشتن خانواده‌های بزرگتر و نیروی محرکه‌ی جمعیت، هدف اساسی برنامه‌های تنظیم خانواده، پایین آوردن باروری ناخواسته بوده است. تعداد زیادی از زنان هستند که علاقه‌مندند تا اندازه‌ی خانواده خود را محدود سازند، لیکن قادر نیستند که به این هدف دست یابند، زیرا دسترسی مناسب به وسایل پیشگیری کارآمد ندارند. بسیاری از کشورهای آسیایی برنامه‌های تنظیم خانوادگی موفق را تدوین کرده‌اند (مثل تایلند، اندونزی و

پیامدهای سیاستگذاری و تحولات جمعیتی در حالی که تحولات جمعیتی به کشورهای در حال توسعه این فرصت را می‌دهد که به رشد سریع اقتصادی نایل آیند، نقش سیاستگذاری، هم در مورد سرعت تحولات و هم در مورد توانایی بهره‌برداری و استفاده از این فرصت بسیار مهم و حیاتی است. اکنون به سیاستگذاران عمده‌ای اشاره می‌شود که هنگام تحولات جمعیتی باید مورد توجه قرار گیرند.

سیاستهای جمعیتی

در دومین مرحله از گذار جمعیتی، مرحله‌ای که میزان باروری کاهش می‌یابد، سیاستهای

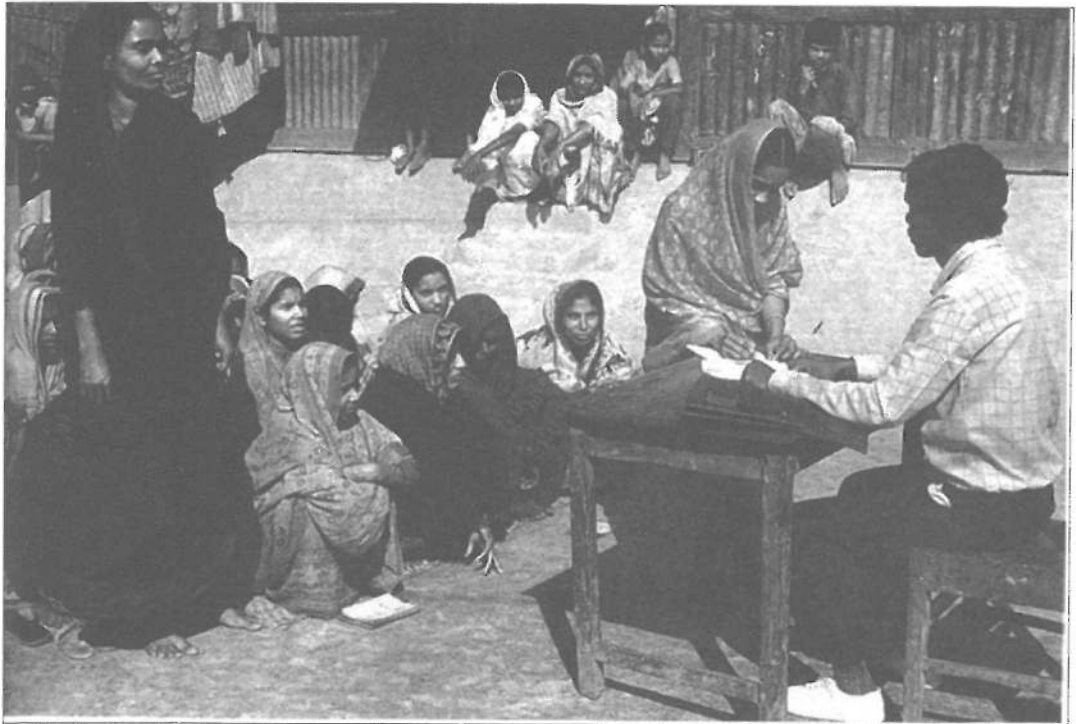


سری لانکا) و این برنامه نقش مؤثری در کاهش سریع میزان باروری داشته است، ولی با وجود این هنوز بخش‌های مهمی از جمعیت یادسترس کافی به وسایل پیشگیری ندارند و یا هزینه آن را نمی‌توانند به راحتی بپردازند. این مورد به طور خاص در مناطق محروم و زنان بی‌سواد مناطق روستایی، آنجا که تسهیلات بهداشتی و آگاهی نسبت به مسائل تولید مثل به آسانی قابل دسترسی نیست، صحت دارد. برنامه‌هایی که زنان را قادر می‌سازد تا با ارائه‌ی اطلاعات در مورد وسایل پیشگیری، باروری خود را تنظیم نمایند، می‌تواند تأثیر قابل توجهی در مهار سرعت جمعیت داشته باشد. در کشورهای فقیر، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای پایین آوردن قیمت وسایل پیشگیری باید یارانه پرداخت کنند (8/p.21).

کاهش باروری دلخواه کار پیچیده‌تری است، زیرا برای این کار باید در رفتار و پسندهای افراد تغییراتی به وجود آید. در حالی که برخی از برنامه‌های تنظیم خانواده تلاش می‌کنند تا از طریق اطلاع‌رسانی و تبلیغات به این هدف دست یابند، می‌توان اظهار داشت که

باروری مطلوب و دلخواه به توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و شرایط عمومی جامعه بستگی دارد. اندازه‌ی مطلوب خانوار با ساختار هزینه‌ها و فایده‌های داشتن فرزند ارتباط پیدا می‌کند. ارتقای پایگاه زنان در جامعه، از طریق در اختیار گذاشتن فرصت‌های بیشتر آموزشی و اشتغال برای ایشان، هزینه‌های داشتن فرزند را افزایش می‌دهد. به طور مشابه پیشرفت‌های عمومی در سطوح بهداشت که منجر به کاهش مرگ و میر نوزادان می‌شود، می‌تواند میزان باروری را کاهش و والدین را قادر سازد که تعداد فرزندان خود را به دقت تعیین کنند.

تأثیر سیاست‌های جمعیتی در مقابل تأثیر شرایط توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی بر مهار داخلی میزان باروری، موضوع بحث تازه‌ای در سالهای اخیر بوده است. برخی از صاحب‌نظران به این نتیجه دست یافته‌اند که دولت‌ها و سازمان‌های کمک‌کننده، باید در سیاست‌های تمرکز کنند که موجب بالا رفتن سطح زندگی مردم گردد، تا آنکه روی سیاست‌های تنظیم خانواده تأکید کنند. هر چند در حالی که عموماً پذیرفته شده که



ازدواج برسند و مجدداً میزان باروری را افزایش دهند، به نیروی محرکه‌ی جمعیت معروف است. انتخاب سیاست‌هایی برای تنظیم نیروی محرکه‌ی جمعیت باید متکی به یافتن راه‌هایی باشد که بتواند از یک سو، سن ازدواج را بالاتر ببرد و از دیگر سو، تولد اولین فرزند زنان را به تأخیر بیندازد و فاصله‌ی بین بچه‌دار شدن را بیشتر کند. اقدامات قانونی برای بالا بردن سن ازدواج با موفقیت‌های محدودی روبه‌رو بوده است. در حالی که ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش بیشتر دختران و اشتغال در بازار کار توانسته به‌طور نسبی سن ازدواج را بالاتر ببرد.

بازار کار

تحولات جمعیتی فقط در صورتی مفید است که جمعیت فعال جذب بازار کار شوند و به‌صورت نیروی کار شاغل درآیند. درصد بالای بیکاری و کم‌کاری رشد اقتصادی را محدود می‌سازد و از امتیاز تحولات جمعیتی نمی‌توان بهره‌برد. هم‌زمان با توسعه‌ی کشور سهم نیروی کار

پیشرفت در بهداشت، آموزش و درآمد سرانه، اساس تقاضا را برای تنظیم باروری تشکیل می‌دهد، برنامه‌های تنظیم خانوادگی کارآمد می‌تواند به‌طور موفق میزان باروری را پایین آورد، حتی در کشورهایی که از درآمد سرانه‌ی نسبتاً کمتری برخوردارند. برای مثال، بنگلادش موفق شده تا با وجود سطح پایین درآمد‌ها، میزان باروری عمومی خود را بسیار کاهش دهد. توفیق این کشور ناشی از تأکید زیاد سازمان‌های دولتی و غیردولتی بر اجرای درست برنامه‌های تنظیم خانواده بوده است. در توفیق سیاست‌های این برنامه دسترسی گسترده‌ی مردم به وسایل جلوگیری با قیمت‌های مناسب و مراکز مشاوره و اطلاع‌رسانی بسیار مؤثر بوده است.

حتی پس از کاهش میزان باروری به سطح جایگزینی، باز هم کشور شاهد رشد سریع جمعیت خواهد بود. زیرا همچنان که جوانان هم‌سن و سال در شرایط تولیدمثل قرار می‌گیرند، دوباره به رشد باروری دامن می‌زنند. جوانی جمعیت که موجب می‌شود تا جوانان زیادی به سن

